

آزادی بیان، امکان بیان موثر

فرهاد بشارت

آزادی بی قید و شرط بیان یک نیاز حیاتی جامعه ایران است. بورژوازی مرتجع، حقیر و بی جسارت کشور، در این قرن، در تلاش برای پایمال کردن همه آزادی‌ها و حقوق مدنی و سیاسی مردم از هیچ اقدامی برای سرکوب آزادی بیان فروگذار نکرده است. انقلاب آزادی خواهانه مشروطیت را در آستان مذهب سر بریدند، آزادی بیان را به عدم تباین با احکام اسلام مشروط کردند، و بالاخره هم سرنوشت مردم و مملکت را به رضا خان سپردند. قانون ۱۳۱۰ رضا خانی، نقض خشن آزادی بیان و فعالیت سیاسی را مشروعیت قانونی بخشید و صراحتاً آزادی و کمونیست کشی را شرایط رشد بورژوازی، سرمایه داری و جامعه مدنی در ایران اعلام کرد.

زندان، شکنجه و کشتار مخالفین آزادی خواه و کمونیست، لقب حکومت سیاه را به دوران سلطنت رضا خان بخشید. در شرایط آغاز جنگ دوم جهانی، کنترل آزادی‌های مدنی قدری شل شد، که مصدق با سلطنت طلبی، اسلام پناهی، ناسیونالیسم و بالاخره نقض آزادی بیان به بهانه شناخته شده «جلوگیری از هرج و مرج» شرایط مناسب برای خاتمه آن دوران با کودتای ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی و سیا را فراهم گردانید. محمدرضا پهلوی سنت آزادی کشی بورژوازی ایران در زمان پدرش را ادامه داد و با اعلام قانون و حزب رستاخیزی، آن را به اوجی دیوانه وار رساند. اعلام کرد که مخالف یا باید سکوت کند، یا از مملکت برود و یا جایش در زندان و جلوی جوخه تیرباران خواهد بود. زمانی که مردم و کارگران کشور با قیام توده‌ای سال ۱۳۵۷ او را بیرون کرده و آزادی همه جانبه را فریاد زدند، بورژوازی ایران و جهان، آخوندهای مرتجع و مردم آزاری مانند

خمینی و خلخالی را به میدات گسیل داشت تا با کمک دین ضدبشری اسلام، انقلاب مردم و کارگران را سرکوب کرده و آزادی بیان را هر چه زودتر از بین ببرند. ۲۰ سال توحش ضدبشری و آزادی کش جمهوری اسلامی بر خوانندگان مجله «نگاه» پوشیده نیست. در آخرین سال قرن بیستم و عصر انقلاب انفورماتیک هم این بورژوازی بی مایه، از سلطنت طلب گرفته تا جبهه ملی و نهضت آزادی‌اش، تلاش بر این دارد تا مردم تشنه رفاه و آزادی، و از جمله آزادی بیان، را معطل و علاف آخوندی بنام خاتمی نگه دارد.

این تاریخ صد ساله «آزادی بیان» در ایران است و به حق خواست آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل را به یک خواسته عمومی و فراگیر، یک خواسته حیاتی برای اکثریت مردم و کارگران تبدیل کرده است. ۳۰ ساله های ایران، کسانی که در موقع انقلاب ۱۳۵۷، ده ساله بودند، یعنی اکثریت قاطع جمعیت ۷۰ میلیون نفری کشور، هیچ تجربه‌ای از داشتن آزادی بیان ندارد. هنوز هم برای آزادی بیان در جامعه جانبازی لازم است. بحث بر سر آزادی بیان به صدر مباحث جامعه و احزاب و نشریات حکومتی و اپوزیسیون رانده شده است. آزادی بی قید و شرط بیان، خواست هر انسان آزادی خواه و کمونیستی است و فراموش شدنی نیست. نگاهی به این حق، عملکرد و دامنه امکانات آن، و بیان موثر و غیر موثر اجتماعی در جامعه سرمایه داری بیاندازیم.

آزادی بیان و جامعه بورژوائی

آزادی بیان در دوره حکومت فئودالی، موضوعیت و موجودیت نداشت. خلاف میل شاه و خان و کلیسا و مسجد، حرف زدن اساساً در جامعه

ممنوع و خاطی محکوم به نیستی بود. بورژوازی قرن ۱۷ و ۱۸ تشنه استفاده از دستاوردهای علمی و تکنیکی بشر، متنفر از بندهای فئودالی بر نیروی کار، خواستار کنار رفتن این قیود بر آزادی بیان، جهت انکشاف مناسبات سرمایه داری و کسب قدرت توسط خود در جامعه بود. آزادی بیان و حقوق بشر، در چهارچوب تقدس و حفظ مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع و ثروت، یکی از شروط گسترش آزادانه بازار سرمایه داری، امکان رقابت اقشار و آحاد مختلف سرمایه با یکدیگر، و بالاخره کنترل و مطیع نگهداشتن اکثریت مردم و کارگران تحت حاکمیت سرمایه توسط بورژوازی بود.

قرار بود و هست که میلیون‌ها رعیت کنده شده از زمین، میلیون‌ها پرولتر و کارگر برده کار مزدی، روی کاغذ از حقوق بشر و آزادی بیان برخوردار باشند، ولی در عمل مشروط بودن استفاده از ابزار موثر و اجتماعی بیان به مالکیت خصوصی امکان تغییر بنیادی جامعه سرمایه داری را از آنها بگیرد. این‌ها حرف تازه‌ای نیست. لنین در آغاز این قرن چقدر درست می‌گفت که: در جامعه سرمایه داری، مشروط بر این که به مساعدترین وجهی تکامل یابد، دموکراسی کم و بیش کامل در جمهوری دموکراتیک وجود دارد. ولی این دموکراسی در تنگنای استثمار سرمایه داری فشرده شده و لذا در ماهیت امر، همواره دموکراسی برای اقلیت یعنی فقط برای طبقات دارا و فقط برای توانگران است. آزادی جامعه سرمایه داری همیشه تقریباً همان است که در جمهوری‌های باستانی یونان بود، یعنی آزادی برای برده داران. بردگان مزدور امروزی، به حکم شرایط استثمار سرمایه داری، از شدت احتیاج و فقر چنان در فشارند که «نه حال پرداختن به

دموکراسی را دارند» و «نه حال پرداختن به سیاست را» و هنگامی که حوادث جریان عادی و آرام دارد، اکثریت اهالی از شرکت در زندگی اجتماعی و سیاسی برکنارند. «دولت و انقلاب، ترجمه فارسی، اداره نشریات زبان‌های خارجی، پکن، صفحه ۱۲۱)

آزادی بیان، و رسانه‌های گروهی با مخاطبین میلیونی و میلیاردی، در دست بورژوازی امروز وسیله شستشوی افکار عمومی مردم و کارگران به نفع سرمایه داری، منافع نگهداشتن آن‌ها در زمان‌های عادی و بسیج نیروی آنان به نفع خود در زمان‌های بحرانی و جنگ است. این‌ها ابزاری به مراتب موثرتر از مذهب و مسجد در تخدیر اکثریت مردم هستند. این نیروی است که عوام فریبانه به بسیج افکار توده‌های مردم در همسویی با منافع طبقه سرمایه دار مشغول است. آزادی بیان را نمی‌توان، و نباید، در خلاء و منتزع از آن شرایط و امکانات واقعی اجتماعی و مناسبات اقتصادی و طبقاتی که در محدوده آن‌ها آزادی بیان قرار است فعلیت یابد، مطالعه کرد.

آزادی بیان و قدرت و نقش

رسانه‌های گروهی در جامعه بورژوازی

اطلاعات و «بیانی» که در مدارس، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره‌ها، ویدیوها، سینماها و سخنرانی‌های «آزاد» تلویزیونی ارائه می‌شوند، کمتر از اختناق جوامع پیشاسرمایه داری به بقای مناسبات و حکومت طبقه مسلط کمک نمی‌رسانند. کار وزارت‌های اطلاعات و فرهنگ در دموکراتیک‌ترین و آزادترین کشورهای سرمایه داری، و وزارت ارشادها در جوامعی مانند ایران، دقیقاً اینست که چه فکر و عقیده و سلیقه سیاسی و اقتصادی و حتی هنری و زیباشناسانه را به خورد مردم بدهند و چه عقایدی را تصفیه کرده و در حاشیه نگه دارند. در جامعه سرمایه داری، فکر و عقیده هم یک کالا است که عیناً مثل کالاهای دیگر بر حسب سفارش سودآور و در مقیاس انبوه و میلیونی تولید می‌شود. در این وضعیت، ابزارهای تولید و رساندن انبوه فکر و عقیده نقش تعیین کننده در این که چه فکر و عقیده‌ای باید بیان اجتماعی و موثر داشته باشند، می‌یابند. مالکیت و کنترل خصوصی و دولتی بورژوازی بر این ابزار، حدود و ثغور حقیقی کارکرد «آزادی بیان» را تعیین می‌کند و نه قوانین دموکراتیک پارلمان در این باره.

آزادی بیان طبقه بورژوازی و طبقه کارگر و اکثریت مردم در جامعه سرمایه داری انعکاس

و جلوه‌ای از آزادی بشر جهت کار برای مزد کردن یا نکردن، آزادی او برای سرمایه دار شدن یا نشدن است. در دنیای واقعی، اجبار برای کارمزدی کردن و محرومیت از هر گونه مالکیت بر ابزار تولید و توزیع برای اکثریت می‌ماند و مالکیت خصوصی و امکان به بردگی مزدی کشاندن کارگر و اکثریت مردم برای اقلیت سرمایه دار جامعه.

تمام تصویر و فکر و عقیده‌ای که از جهان موجود، و سرنوشت و احساسات بشر در آن، در رسانه‌های گروهی انعکاس می‌یابد را نگاه و قضاوت کنید. اخبار اقتصادی رادیو و تلویزیون را در نظر بگیرید. بالا و پایین رفتن قیمت سهام کارخانه‌ها، نرخ برابری ارزهای مختلف، ورشکستگی یا شکوفائی این یا آن بخش از سرمایه و کارخانجات تقریباً تمام آن اخبار اقتصادی‌ای است که هر روز برای من و شما بیان می‌کنند. بیکاری و فقر گریبانگیر کارگران و صدها میلیون مردم در سراسر جهان خبر اقتصادی‌ای نیست که بیان شود. نگرانی اکثریت قریب به اتفاق کارگران و مزدبگیران شاغل از خطر بیکاری قریبالوقوع، نپرداختن کرایه خانه و قرض بانک، نبود امکان مالی برای استفاده از بهداشت و مدرسه و تفریح خوب برای خود و خانواده مزدبگیران، یعنی اکثریت قاطع مردم کره زمین، از اخبار اقتصادی بیان شدنی روزمره در رسانه‌های «آزاد» و بی طرف امروز نیست. فیلم‌های تلویزیون و سینما یک نمایش دائمی جنگ و گریز هولناک پلیس با دزد و بزهدار منفرد است. جنگ و گریز دائمی و بسیار هولناک تر کارگر و مزدبگیر با طبقه سرمایه دار بر سر غصب دست رنج آن‌ها توسط بورژوازی، جنگ و گریز دائمی بر سر افزایش یا کاهش دستمزد و اخراج‌ها، امنیت جانی در خط تولید و... داستان و اتفاق تکان دهنده‌ای نیستند که در قالب فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی بیان و تصویر شوند. احساسات، عشق، طنز، غم، عصبانیت، همدردی، ترس، شادی و بسیاری دیگر از عواطف واقعی که امروز به زندگی میلیاردها انسان تحت ستم و انقیاد سرمایه داری رنگ حقیقی می‌دهند، تقریباً یکسره از رسانه‌های گروهی موثر و میلیاردی غایب هستند و امکان طرح و بیان شدن نمی‌یابند.

بورژوازی با امکان استفاده از آزادی بیان حقیقی خویش، ایدئولوژی، ارزش‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود و آنچه که باید مردم فکر و قبول کنند را تولید و به عنوان ایدئولوژی و ارزش‌های کل مردم و جامعه به خورد میلیاردها انسان می‌دهد. خطر خیزش و

اعتراض توده‌های میلیاردها کارگر و مزدبگیر را با وعده امکان تاثیر گذاری بر اوضاع و تغییر واقعیت در پرتو «آزادی بیان» اکثریت و فرستادن نمایندگان واقعی به پارلمان و مجلس کم می‌کند. و هر وقت این مردم دست به اعتراض بزنند، آنوقت قدرت خود را نه فقط با پلیس و دادگاه و زندان، بلکه با رسانه‌های گروهی میلیاردی به رخ می‌کشد و جامعه را مرعوب می‌کند.

در این وضعیت، روزنامه‌ها و مجلاتی که در تیراژ صدها و یا هزاران انعکاس دهنده واقعیت زندگی کارگران و مردم بر کره زمین در جامعه سرمایه داری هستند، تاثیری تعیین کننده بر زندگی و فکر آنان ندارند. با استفاده از آزادی بیان، برنامه‌های رادیویی معترض و آزادی خواه یکی دو ساعت در هفته به انعکاس حقایق مشغولند؛ و اما حریفی برای تبلیغات و مهندسی افکار ۲۴ ساعته رسانه‌های گروهی

میلیاردی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای نیستند. در چنین شرایطی، اکثریت مردم و کارگران، علیرغم منافع واقعی‌شان، در وضعیتی قرار می‌گیرند که با تصور انتخاب آزادانه، اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های بورژوازی را به عنوان خواست خود قبول کنند و پیش ببرند. میلیون‌ها کارگر در غرب - در مهد دموکراسی و آزادی بیان - رفاه خود را در سودآورتر کردن شرکت کارفرما می‌یابند و میلیون‌ها جوان خانواده زحمتکش به خاطر منافع و پرچم ملی و مذهبی در کوسوو و خاورمیانه و جاهای دیگر در ارتش‌های بورژواها می‌جنگند و کشته می‌شوند.

این همه نتایج انعکاس وارونه جهان حقیقی در اذهان مردم توسط رسانه‌های گروهی دموکراسی است. اکثریت مردم نه سیستماتیک و انتقادی، بلکه با حافظه فعال تاریخی کوتاه مدت، کنکرت و مشخص فکر می‌کنند. نقش رسانه‌های گروهی میلیاردی با استفاده از آزادی بیان در جامعه سرمایه داری، شکل دادن به این حافظه تاریخی فعال و فکر کنکرت و مشخص مردم است. رسانه‌های گروهی بورژوازی بخشی مهم از ابزار مدیریت و حفظ جامعه سرمایه داری توسط این طبقه است. حفظ سلطه بورژوازی و مناسبات آن در جامعه بشری، در نهایت توسط خشونت و قهر طبقاتی امکان پذیر می‌شود. پلیس و ارتش و قانون و دادگاه و زندان ابزار بی تعارف این خشونت و رسانه‌های گروهی ابزار مجازی و افکار ساز همین خشونت در خدمت بورژوازی و سلطه سرمایه هستند. اسطوره امکان بیان موثر و برابر برای همه در خدمت

مشروعیت بخشیدن به این بخش از ابزار سیادت طبقاتی بورژوازی است.

ابزار بیان موثر در جامعه

رسانه های گروهی میلیونی و میلیاردری برای بیان و شکل دادن افکار، در اختیار و انحصار بورژوازی و دولتهای آن است. با این ابزار، افکار عمومی در خدمت پیشبرد منافع سرمایه داران و حفظ نظام سرمایه داری مهندسی می‌شوند. بورژوازی برای این کار از فورم و تکنیک‌های فنی و ارائه پیشرفته و پیچیده‌ای در رسانه های گروهی استفاده می‌کند.

از نظر فورم، رسانه های گروهی و تکنیک‌های انتقال فکر و عقیده، نسبت به حتی آغاز این قرن، پیشرفته‌های بسیار زیادی کرده است. پیشتر

افکار مردم در جهان داده است. تأثیری که توسط یک فیلم یا بمباران تبلیغاتی تلویزیونی بر افکار عمومی گذاشته می‌شود را نمی‌توان با رمان‌های چند جلدی و یا صرف ساعتها وقت برای تفسیر مثلا اشعار مولانا جانشین کرد. کسی که می‌خواهد از آزادی بیان به شکلی موثر و افکارساز استفاده کند، می‌بایست بطور جدی به فکر استفاده از این تکنیکها و رسانه های گروهی باشد. اما این رسانه ها گران و عمدتا در مالکیت و کنترل بورژوازی و دولتهایش هستند. رسانه های گروهی بورژوازی مادام که تغییر قوای طبقاتی و سیاسی مجبورشان نکند، فرصت و امکانی برای بیان و تصویر کردن وضعیت زندگی و خواسته ها و آرزوهای اکثریت مردم نخواهند داد؛ مگر به عنوان خالی نبودن

و دوستانشان، خود را در ابعاد اجتماعی به رسانه های گروهی تحمیل کرد و بخشی از خواسته و اعتراض معدنچیان از این کانالها هم بیان شدند و در جامعه و جهان اثر گذاشت. در مواقع معمولی، و در شرایطی که توازن قوای طبقاتی و سیاسی به نفع بورژوازی است، این رسانه های گروهی فقط بطور استثنائی، در فرصت‌های کم و برای حفظ ظاهر دموکراتیک در اختیار اشخاص و جریانات آزادی خواه قرار می‌گیرند. یک مصاحبه سه دقیقه‌ای با یک رهبر رادیکال کارگری، در پوشش و محاصره ساعتها و روزها تبلیغات و اظهار نظر ژورنالیستها و متفکرین و افکارسازان بورژوا قرار داده می‌شود و از تاثیر ماندگار بی بهره می‌ماند. هم ظاهر دموکراتیک حفظ شده و

رسانه های گروهی بورژوازی مادام که تغییر قوای طبقاتی و سیاسی مجبورشان نکند، فرصت و امکانی برای بیان و تصویر کردن وضعیت زندگی و خواسته ها و آرزوهای اکثریت مردم نخواهند داد؛ مگر به عنوان خالی نبودن عریضه. اگر در طول اعتصاب قهرمانانه یک ساله معدنچیان بریتانیا، رادیوها و تلویزیونها و روزنامه های میلیونی بورژوازی بریتانیا هر روز از اعتصاب و وقایع آن خبر و گزارش منعکس می‌کردند، این نه نشانه امکان استفاده روتین طبقه کارگر از این رسانه های گروهی بورژوازی، بلکه نتیجه یک اعتصاب قدرتمند با اتکا به یک اتحادیه رادیکال کارگری بود، که دولت ارتجاعی مارگارت تاچر را به مصاف طلبیده بود.



آزادی بی قید و شرط بیان را باید خواست و برایش مبارزه کرد. این یک نیاز حیاتی جامعه ایران است. گرفتن آزادی بی قید و شرط، بیان یک وظیفه انجام نشده نسل گذشته این جامعه است که باید توسط نسل کنونی انجام و به عنوان حقی خدشه ناپذیر و عزیز به نسل‌های آینده آن جامعه تحویل گردد. برای جامعه‌ای که در آن رژیم جمهوری اسلامی نه فقط آزادی بیان، بلکه حتی حق داشتن عقیده در سیاه چالهای خود را هم برای زندانیان تحمل نمی‌کند و مادام که آن‌ها را به توبه و اشهد گفتن نکشاند، دست بردار نیست؛ کسب و قانونی کردن آزادی بیان یک پیش شرط حتمی هر تلاش موفق برای گسترش آزادی‌های واقعی دیگر است.

و در آغاز این قرن، بخصوص در جوامعی مانند ایران، قوالبی از قبیل شعر، رمان‌های طولانی و چند جلدی، و بالاخره کتاب‌های قطور از ابزار رایج بیان عقیده و انتقال فکر و افکارسازی بودند. عده کمی که امکان استفاده از ادبیات و فرهنگ در این قوالب را داشتند، باید ساعتها و روزها صرف خواندن و کسب اطلاعات و گرفتن ایماج‌های فکری از این طریق می‌کردند. امروزه رسانه هائی در شکل تلویزیون، ویدیو، اینترنت و ارتباط ماهواره‌ای سریع، امکانات انتقال اطلاعات و افکار را یکسره دگرگون کرده‌اند. ترکیب تصویر، صدا و نوشته فوق العاده دینامیک، تغییر یابنده، ارزان و حقیقتا بین المللی ابعادی بسیار سریع تر، بزرگ تر و موثرتر به پروسه شکل یافتن

عریضه. اگر در طول اعتصاب قهرمانانه یک ساله معدنچیان بریتانیا، رادیوها و تلویزیونها و روزنامه های میلیونی بورژوازی بریتانیا هر روز از اعتصاب و وقایع آن خبر و گزارش منعکس می‌کردند، این نه نشانه امکان استفاده روتین طبقه کارگر از این رسانه های گروهی بورژوازی، بلکه نتیجه یک اعتصاب قدرتمند با اتکا به یک اتحادیه رادیکال کارگری بود، که دولت ارتجاعی مارگارت تاچر را به مصاف طلبیده بود. البته که گزارش و اخبار این اعتصاب هم آغشته به هزار حيله و تحریف بورژوائی ارائه می‌شد و بارها آرتور اسکارگیل را به مشاجره تند با ژورنالیست‌های نوکر و قلم به مزد کشاند. اما به هر حال اعتصاب و مبارزه متشکل صدها هزار معدنچی و خانواده

یک نماینده مردم کارگر و جان به لب رسیده، آزادی بیان از مثلا رادیو و تلویزیون بی بی سی را پیدا کرده و هم در مجموع امر و سیاست بورژوازی به موثرترین نحوی پیش برده شده است. هر روز و هر هفته سیل تبلیغات مذهبی از رادیو و تلویزیون‌های بورژوازی سرازیر است و احتمالا هر شش ماه یک بار هم یک دانشمند یا متفکر آته نیست ۵ دقیقه فرصت می‌یابد تا در تقابل با ایده ارتجاعی خلقت از رسانه های گروهی موثر چیزی بیان کند. در شرایط بحرانی اما حتی چنین فرصت‌های دموکراتیک هم نیست. کافیست عزت روگوا، رهبر بخشی از اهالی آلبانی زبان ایالت کوسووی یوگسلاوی، در اوج ویران کردن مملکت یوگسلاوی بر سر مردمش توسط ارتش آمریکا اعلام کند

که خواستار قطع بمباران و یافتن راه حل سیاسی برای مساله است تا همه این رسانه های میلیونی در کوتاه ترین مهلت تبلیغات و تصویر سازی در مورد او را عوض کنند. در عرض چند ساعت روگوا در تلویزیون های بی بی سی و سی ان ان از «رهبر عاقل و میانه رو و محبوب اهالی کوسو» به یک شخص «مزدور و خودفروخته» تبدیل شد. و بمباران یوگسلاوی و جریان مرعوب کردن افکار عمومی مردم جهان توسط ناتو و ارتش آمریکا هم ادامه یافت! در یک کلام، بورژوازی با استفاده از تکنیکها و رسانه های گروهی پیشرفته و میلیونی بطور حقیقتا آزادانه، مستمر و روزمره به بیان عقاید و منافع خود و شکل دادن افکار عمومی مردم جهان بر اساس آن مشغول است. مردم و کارگران جهان، حتی در کشورهایی که دموکراسی و حق آزادی بیان وجود دارد، از حق و امکان بیان موثر و گسترده اعتراضات و خواسته های خود محروم هستند. این حقیقت آزادی بیان در جهان سرمایه داری است.

آزادی بی قید و شرط بیان!

امکان بیان موثر!

آزادی بی قید و شرط بیان را باید خواست و برایش مبارزه کرد. این یک نیاز حیاتی جامعه ایران است. گرفتن آزادی بی قید و شرط، بیان یک وظیفه انجام نشده نسل گذشته این جامعه است که باید توسط نسل کنونی انجام و به عنوان حقی خدشه ناپذیر و عزیز به نسل های آینده آن جامعه تحویل گردد. برای جامعه ای که در آن رژیم جمهوری اسلامی نه فقط آزادی بیان، بلکه حتی حق داشتن عقیده در سیاه چال های خود را هم برای زندانیان تحمل نمی کند و مادام که آنها را به توبه و اشهد گفتن نکشاند، دست بردار نیست؛ کسب و قانونی کردن آزادی بیان یک پیش شرط حتمی هر تلاش موفق برای گسترش آزادی های واقعی دیگر است. در این وضعیت، اگر آزادی بیان فقط بر روی کاغذ بماند و هیچ امکان و ابزار اجتماعی و موثر برای طرح عقاید آزادی خواهانه هم در دسترس مردم قرار نگیرد، باز هم عزیز و لازم است.

در عین حال، با گرفتن و گرامی داشت آزادی بی قید و شرط بیان باید از هم امروز به فکر امکان بیان اجتماعی و موثر عقاید آزادی خواهانه، کمونیستی و به نفع طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش بود. بیان و رساندن افکار و عقاید بطوری که تاثیر و مقبولیت اجتماعی پیدا کنند و تبدیل به وزنه ای قابل

ملاحظه در فعل و انفعالات سیاسی جامعه گردند، به عوامل مختلف بستگی دارد. کیفیت و محتوای سیاسی و طبقاتی این عقاید طبعا تعیین کننده هستند. آن عقیده و نظری که اعتراض و خواست و حرف دل کارگر و اکثریت مردم است، طبعا امکان اجتماعی شدن و گسترش دامنه نفوذ دارد. نحوه و امکان بیان گسترده عقیده هم در دنیای امروز به همان نسبت تعیین کننده است. بهترین و انسانی ترین عقاید مادام که در نشریاتی با تیراژ یک یا چند هزار منتشر می گردند، تاثیری قابل ملاحظه در جامعه و مبارزات سیاسی و اقتصادی، و حتی در زمینه های فرهنگی، نخواهد داشت.

به این منظور، استفاده از همان فرصت های استثنائی که رسانه های گروهی میلیونی بورژوازی ممکن است در اختیار آزادی خواهان و کمونیست ها هم بگذارند لازم است. این فرصت ها به مدد تلاش آزادی خواهان و فشار مبارزاتی مردم و کارگران پیش می آید. کوتاه آمدن از بیان عقاید و اهداف آزادی خواهانه و کمونیستی به بهانه معامله با بورژوازی و گرفتن کمی فرصت مطرح شدن در رسانه ها نقض غرض و توهم پراکنی نسبت به رسانه های گروهی بورژوازی و امکان استفاده از آنها است.

توجه جدی و لازم به این مساله، اختصاص انرژی و امکانات جهت ایجاد رسانه های گروهی با برد زیاد و اجتماعی را از تشکل ها و احزاب کارگری و کمونیستی و آزادی خواه می طلبد. انتشار نشریاتی با تیراژ وسیع و راه انداختن رادیوهایی با برنامه های منظم روزانه، استفاده از قوالب هنری مدرن مانند ترانه و فیلم های حرفه ای کارگری و پیشرو و کمونیستی از این دست هستند. چند سال پیش یکی از رهبران کنفدراسیون سراسری کارگران بولیوی COB به نگارنده می گفت که سازمان ها و احزاب کارگری و چپ در آمریکای لاتین در فکر و تلاش برای راه انداختن یک کانال تلویزیونی روزانه برای سراسر این قاره هستند. کسانی که به فکر استفاده از آزادی بیان جهت بسیج افکار عمومی و زحمتکشان برای عوض کردن دنیای وارونه و ضدبشری کنونی هستند، می باید در این ابعاد فکر و عمل کنند.

با همه اینها روشن است که در جامعه سرمایه داری، و مادام که مالکیت خصوصی بورژوازی بر رسانه های گروهی میلیونی حاکم است، سازمان های کارگری و احزاب کمونیست و آزادی خواه نخواهند توانست رسانه هایی با همان برد

و دامنه ایجاد کنند. در اینجا خواست و مطالبه کارگری برای حق و امکان استفاده معین از رسانه های گروهی دولتی و بخش خصوصی برجسته می شود. کارگران و مردم زحمتکش هم باید بتوانند خواسته ها و آرزوهای خود را به جامعه اعلام کنند. در جامعه سرمایه داری باید در کنار سایر مطالبات به حق کارگری مانند کاهش ساعات کار، ممنوعیت اخراج، بیمه مکفی پزشکی و بازنشستگی و دو روز تعطیلی آخر هفته و... خواست استفاده مرتب از فرستنده های رادیو و تلویزیونی دولتی و خصوصی هم مطرح گردد و برایشان مبارزه و تلاش شود. کارگران باید حق داشته باشند که از رسانه های گروهی دلایل اعتصاب یا نارضایتی خود از میزان مزد و شرایط زندگی شان را به اطلاع عموم برسانند. هر شب زمان معینی از ساعات پر بیننده و شنونده فرستنده های تلویزیون های دولتی و خصوصی باید به سازمان های مستقل کارگری اختصاص یابد. در این ساعات کارگران می توانند بدون دخالت و کنترل ژورنالیست های بورژوازی و دولت درباره شرایط کار و زندگی خود و خانواده هایشان با جامعه صحبت کنند و گوشه هایی از حقیقت زندگی در جهان پر از نابرابری و ستم موجود را بیان کنند. نوعی مالیات کارگری و مردمی بر رسانه های گروهی میلیونی لازم و به حق است. به یکه تازی امثال رابرت مردوخ و ماکسول، و ایضا صدا و سیمای جمهوری اسلامی، در رادیو و تلویزیون ها باید پایان داد تا استفاده از آزادی بیان بتواند تاثیری مثبت و حقیقی بر زندگی اکثریت مردم داشته باشد. اگر کاهش ساعات کار و تعطیلی آخر هفته به یمن مبارزه متشکل کارگران ممکن است، تحقق این خواسته هم عملی خواهد بود.

تکلیف نهائی کشمکش بر سر استفاده از ثروت و امکاناتی که بشر مولد تولید می کند، تکلیف جامعه سرمایه داری، زنجیر مالکیت و کنترل خصوصی بر ابزار تولید و توزیع و رسانه ها، و بردگی برای مزد، بالاخره با یک انقلاب کمونیستی و کارگری رهائی بخش روشن خواهد شد. تا آن زمان، و برای رسیدن به آن زمان، باید حق آزادی بیان را به همراه درجه ای از حق استفاده از رسانه های میلیونی و مدرن، برای موثر کردن بیان عقاید و افکار انسانی و آزادی بخش، را از بورژوازی گرفت.

اوت ۱۹۹۹